



گرامی باد سالگرد رستاخیز سیاهکل و قیام بهمن!

آگاهی هر آینه با صداقت انقلابی توأم شود، منشا ایمانی تزلزل ناپذیر می گردد. با اتکاء به چنین آموزش انقلابی ای بود که ۲۹ سال پیش، نسلی از پاکترین و آگاه ترین فرزندان راستین مردم ما یعنی رزمندگان سیاهکل با حمله به پاسگاه ژاندارمری سیاهکل در شمال ایران، سکوت قبرستانی حاکم بر جامعه ایران را شکستند و به رژیم وابسته به امپریالیسم شاه اعلان جنگ دادند. با این حرکت شجاعانه، فصلی تازه در تاریخ انقلاب رهایی بخش کارگران و خلقهای تحت ستم ما در ایران گشوده شد و این فریاد در جامعه طنین انداز شد که: "آن که می گفت حرکت مرد در این وادی خاموش و سیاه، برود شرم کند". غرش مسلسلهای رزمندگان سیاهکل در ۱۹ بهمن سال ۴۹ دیکتاتوری قدرقدرت رژیم شاه را غافلگیر کرد. صغیر گلوله های آنان که همچنان سالها در رزم دلاورانه چریکهای فدائی خلق تداوم یافت، نشانگر آغاز یک مبارزه قاطع و بی امان بر علیه استثمارگران بود. این مبارزه مسلحانه، انفجارخشم فروخورده و مهیب مبارزاتی خلقی را به نمایش گذارد که کمرش در زیر استثمار و تازیانه سالها استبداد مطلق ناشی از حاکمیت برخاسته از کودتای امپریالیستی ۲۸ مرداد خم شده بود. سیاهکل نوید بخش ورزش یک نسیم جانبخش مبارزاتی بود که در ادامه خود نسلی از جوانان پاکباخته را به صحنه مبارزه بر علیه شاه کشانید و در طول سالها با پیوستن توده به پا خاسته به آن سرانجام به طوفانی سهمگین بدل شد که نهایتا در ۲۱ و ۲۲ بهمن سال ۵۷ بساط دیکتاتوری امپریالیستی شاه را بطور قطعی به زباله دان تاریخ افکند.

به اعتبار ایفای چنین نقشی در تاریخ مبارزات رهایی بخش توده های تحت ستم ما بود که سیاهکل به یک نقطه عطف مبارزاتی در ایران تبدیل شد. اهمیت تاریخی سیاهکل نه در صرف حرکت نظامی شجاعانه رزمندگان کمونیست و دلیران در سال ۴۹، بلکه در این حقیقت نهفته است که بر این حرکت، **تئوری**، تحلیل ها و دیدگاه های انقلابی منطبق بر شرایط جامعه ایران حاکم بود، همان تئوری ای که سیاهکل را به چراغ راه آینده تبدیل کرد. درست به این دلیل است که برغم گذشت نزدیک به چهار دهه از حرکت سیاهکل، باد و راه رزمندگان سیاهکل و همه چریکهای فدائی خلق، تجارب و سنت نوین مبارزاتی ای که این کمونیستهای پاکباخته از خود بر جای گذاردند، همچون گوهری در حافظه تاریخی توده ها باقی مانده و به منبع جوشانی از آموزشهای مبارزاتی برای پیشبرد مبارزه امروز تبدیل شده است. به عبارت دیگر سیاهکل پاسخ به یک ضرورت تاریخی بود؛ و درست به همین دلیل موجب یک راهگشایی چشمگیر در جنبش انقلابی و برحق توده های تحت ستم شد. آموزشهای سیاهکل که آموزش های تئوری انقلاب اجتماعی در شرایط مشخص ایران بودند، نه تنها از آغاز جنبش مسلحانه، بلکه در مراحل بعدی مبارزه طبقاتی یعنی در پروسه پیشرفت مبارزه و توده ای شدن آن بر علیه رژیم وابسته به امپریالیسم شاه، در جریان قیام قهرمانانه مردم در ۲۱ و ۲۲ بهمن ۱۳۵۷، و بالاخره در تمام دوران حاکمیت رژیم سرکوبگر جمهوری اسلامی نیز صحت خود را در پرتو پراتیک اجتماعی به نمایش گذاردند. اما این آموزشها چه بودند؟

با مطالعه مناسبات و روند تکامل تاریخی نیروهای مولده در جامعه ما و تحلیل ساختار اقتصادی - اجتماعی حاکم بر ایران، یکی از دست آوردهای تئوریک کمونیست های ایران در اواخر دهه ۴۰ که با نام رزمندگان سیاهکل در آمیخته و در دو اثر ارزشمند چریکهای فدایی خلق، رفقای کبیر مسعود احمد زاده و امیر پرویز پویان به نام های "مبارزه مسلحانه، هم استراتژی هم تاکتیک" و "ضرورت مبارزه مسلحانه و رد تئوری بقا" جمع بندی شده است، کشف این حقیقت است که نظام اقتصادی - اجتماعی حاکم بر جامعه ایران، نظام بورژوازی وابسته به امپریالیسم می باشد. نظامی که روینای ناگزیر آن، برخلاف جوامع سرمایه داری کلاسیک، یک دیکتاتوری مطلق العنان است که کمترین حقوق و آزادیهای بورژوازی و تشکلهای صنفی و سیاسی مردم را بر نمی تابد. مطابق تحلیل فوق، طبقه حاکم در چنین نظامی حاکمیت استثمارگرانه خود را با اعمال یک قهر سیستماتیک و عریان در تمام عرصه های زندگی توده ها تضمین می کند. در نتیجه تا زمانی که چنین نظام ارتجاعی یعنی سیستم سرمایه داری وابسته و دیکتاتوری ذاتی آن در جامعه تحت سلطه ما برقرار باشد، حکومت، هر شکلی بخود بکشد الزاماً دیکتاتور بوده و در نتیجه امکان نیل به کمترین آزادیهای دموکراتیک و تضمین خواستههای اقتصادی - سیاسی توده های تحت ستم در آن وجود نخواهد داشت. بنابراین، شرط رهایی و نیل به آزادی و دموکراسی و سعادت برای توده های مردم ایران، نابودی تمامیت نظام حاکم می باشد. از سوی دیگر رسیدن به این هدف با توجه به حقایق فوق، وظیفه عملی نوینی را در مقابل نیروهای انقلابی جامعه قرار می دهد. بر اساس تئوری چریکهای فدائی خلق، نیروهای انقلابی و روشنفکر با این اعتقاد که انقلاب کار توده هاست، باید شرایط را برای به میدان کشیدن توده ها آماده کنند. در این مسیر آنها نه با کپی برداری از روشهای سنتی و کار آرام سیاسی، بلکه اساساً با توسل به روشهای قهر آمیز در پروسه یک مبارزه طولانی ست که اولاً موفق به ایجاد تشکیلاتی از انقلابیون حرفه ای و تضمین ادامه کاری آن در امر انقلاب و سرانجام ارتقاء آن به حزب انقلابی طبقه کارگر خواهند شد؛ ثانیاً، تنها از طریق مبارزه مسلحانه است که روشنفکران انقلابی قادر خواهند بود تا در شرایط اعمال یک دیکتاتوری مطلق العنان، انرژی مبارزاتی کارگران و توده های ستمدیده را در جامعه جاری کرده و شرایط را برای تشکیل طبقه کارگر و زحمتکشان به منظور سازمان دادن انقلاب اجتماعی و رسیدن به آزادی و دموکراسی مهیا سازند؛ و به طور کلی در جهت تحقق هدف اساسی انقلاب یعنی نابودی نظام استثمارگرانه و ماشین دولتی حافظ آن، یک حرکت واقعاً انقلابی را سازمان دهند.

اکنون با وجود آن که قریب به چهار دهه از حماسه سیاهکل و آغاز یک دوره نوین در مبارزات حق طلبانه مردم ما می گذرد، جوهر و اساس تحلیل های رزمندگان سیاهکل همچنان منبع لایزال از تجارب و آموزشهای انقلابی برای امروز

ماست. با جانفشانی های نسلی از بهترین فرزندان خلق در دهه ۴۰ و ۵۰ راه مبارزات توده ها برای رسیدن به اهداف خود روشن گشته و هموار گردید و سرانجام به نقطه ای رسید که سلطنت ۲۵۰۰ ساله شاهان به قدرت لایزال کارگران و زحمتکشان در بهمن ۵۷ به زباله دان تاریخ افکنده شد. اما با توجه به ترفند های فریبکارانه ای که امپریالیست ها با اتکاء به خمینی و دارو دسته اش در ایران بکار گرفتند، توده های به پا خاسته ایران به رغم سرنوینی رژیم شاه نتوانستند نظام استثمارگرانه حاکم که شاه تنها یک مهره حقیر آن بود را نابود کنند. در نتیجه ساختار ارتجاعی نظام پس از سقوط شاه همچنان در امان ماند. در نتیجه در سال ۵۷ با جایگزین کردن رژیم جمهوری اسلامی با رژیم شاه توسط امپریالیستها و حفظ نظام، تعرضی وحشیانه به دستاوردهای انقلابی مردم ما شروع شد و استمرار حاکمیت سیاه نظام سرمایه داری وابسته، این بار توسط رژیم تبهکار جمهوری اسلامی با اعمال دیکتاتوری ای به مراتب گسترده تر با هدف خفه کردن صدای حق خواهانه مردم و بازگشت به دوران خوش "سکون" و تسلیم گذشته به استثمار و سرکوب وحشیانه توده های تحت ستم ما پرداخت. اما کارگران و توده های محروم ایران نیز که نبردهای پیشین را از سر گذرانده و تجارب بزرگی کسب کرده بودند، در طول ۳۰ سال گذشته هیچگاه تسلیم رژیم جمهوری اسلامی نشده و با مبارزات و مقاومت های خود حتی یکروز هم گردانندگان این رژیم ضد خلقی و اربابانشان را راحت نگذاشتند. در اثر تداوم همین مبارزات است که در ۸ ماه گذشته موج سهمگین نوینی از جنبش اعتراضی کارگران و خلق های تحت ستم با برخورداری از حضور نسل جدیدی از جوانان مبارز، دوباره زمین را در زیر پای استثمارگران حاکم داغ کرده و با شعارهای "مرگ بر جمهوری اسلامی"، "مرگ بر دیکتاتور"، مرگ بر اصل ولایت فقیه"، "ما زن و مرد جنگیم، جنگ تا بجنگیم" و ... خواب خوش را بر آنها حرام کرده و خواست عمیق و بنیادی خود یعنی نابودی این رژیم را فریاد زده است. اکنون بار دیگر مردم به پا خاسته و نیروهای آگاه و انقلابی جامعه با یک مصاف بزرگ مبارزاتی روبرو هستند. مصافی سرنوشت ساز بین سرکوبگران و توده های به پا خاسته که فرجام آن هر چه باشد، بی تردید تاثیرات بسیار عمیقی را بر آینده جامعه ما خواهد گذارد.

در چنین شرایطی وظیفه ای بس سهمگین بر دوش نیروهای روشنفکر آگاه و جوانان مبارز قرار دارد. در شرایطی که جنبش توده های خشمگین و به پا خاسته از ۳۰ سال جنایات و مظالم جمهوری اسلامی، از خلاء رهبری و به طور اولی عدم وجود یک رهبری انقلابی در راس آن رنج می برد، وظیفه جوانان آگاه و انقلابی ماست که با درس گیری از تجارب گذشته و بهره گیری از شرایط موجود، ضمن افشا و مقابله با تحمیل رهبری اصلاح طلبان حکومتی بر جنبش مردم، در جهت بوجود آوردن یک رهبری انقلابی در مبارزات جاری تلاش کنند. از سوی دیگر در شرایطی که ماشین سرکوب جمهوری اسلامی با تمام قوا با بگیر و ببند و زندان و شکنجه و کشتار توده های به پا خاسته در صدد سرکوب خیزش کنونی و در هم شکستن آن است، در شرایطی که گرایش طبیعی به مقاومت در مقابل سرکوبگران و مقابله با دستگاه کشتار حکومت به سرعت در میان جوانان در حال گسترش است، همه واقعیات جاری بر ضرورت پاسخ به این نیاز یعنی اعمال قهر انقلابی در مقابل دیکتاتوری حاکم تاکید می کنند. در نتیجه تلاش برای ایجاد تشکلهای مخفی در بین جوانان مبارز و آگاه و سازمان دادن یک مبارزه مسلحانه آگاهانه که باعث از بین رفتن موانع پیشروی این جنبش و تسریع روند رشد و گسترش آن شده و برای ارتقاء قدرت توده ها در مقابل سرکوبگران حاکم به سازماندهی مسلح آنان کمک نماید، یک ضرورت تاریخی ست که واقعیات کنونی گام برداشتن در جهت پاسخ به آن را می طلبند.

در سی و نهمین سالگرد حماسه سیاهکل یاد ۱۵ چریک فدائی خلق، ۱۵ رزمنده کمونیست سیاهکل را گرامی داریم و بکوشیم تا با آموختن از روح آموزشهای آنان و تجارب تاریخی، در پیمودن مسیر نابودی رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی با تمام دارو دسته های ضد انقلابیش در جنبش کنونی و رسیدن به آزادی و دموکراسی با تمام قوا یاری رسانیم.

گرامی باد خاطره سترگ رزمندگان سیاهکل!

گرامی باد خاطره سترگ قیام بهمن !

مرگ بر رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی!

هر چه پر توان تر باد رزم دلاورانه توده های بپاخاسته!

پیروز باد انقلاب! زنده باد کمونیسم!

با ایمان به پیروزی راهمان

چریکهای فدائی خلق ایران

۱۹ بهمن ۱۳۸۸